

ژئوپلیتیک انرژی دریای مدیترانه

سروش فهندز سعدی^۱، علی علیزاده^۲، * یعقوب قلندری^۳، سجاد بیاضی^۴

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
۲. استادیار گروه امنیت داخلی، دانشکده امنیت ملی، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران
۳. دکتری علوم سیاسی، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
۴. دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۲۵ آبان ۱۴۰۱
تاریخ پذیرش: ۲۳ مهر ۱۴۰۲
تاریخ انتشار: ۲۵ آذر ۱۴۰۲

چکیده

دریای مدیترانه موقعیتی حساس و بااهمیت برای سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا دارد که با توجه به اکتشافات سال‌های اخیر میدان‌های گازی در منطقه، اهمیت آن دوچندان شده است. جنگ‌های روسیه و اوکراین در یک دهه گذشته، وابستگی شدید اروپا به گاز روسیه را نشان داد که در نتیجه آن، اتحادیه اروپا در پی یافتن جایگزین برای کاهش وابستگی خود به روسیه، مدیترانه را اصلی‌ترین گزینه خود به حساب آورد. در این مقاله به دنبال بررسی اهمیت دریای مدیترانه برای قدرتهای فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای در بحث انرژی هستیم. روش پژوهش به صورت کمی نظام‌مند با روش توصیفی است. برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش، متون علمی و پرسشنامه را بررسی کرده و پایایی آن را به وسیله نرم‌افزار SPSS سنجیده‌ایم. جامعه آماری این پژوهش با بهره‌مندی از نظرات صاحب‌نظران و نخبگان رشته‌های علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و اقتصاد و همچنین فارغ‌التحصیلان دکتری و ارشد در دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی و علامه طباطبائی، به عنوان جامعه نمونه این پژوهش در نظر گرفته شده‌اند که تعداد آن‌ها به صورت تمام شمار ۷۰ نفر تعیین شده است. همچنین داده‌های گردآوری شده با روش دلفی فازی تجزیه و تحلیل شده است. در این پژوهش به این نتایج رسیدیم: کاهش وابستگی به انرژی روسیه، امنیت انرژی اروپا، تضمین قراردادهای سرمایه‌گذاری برای شرکت‌های نفتی آمریکا، برای کشورهای فرامنطقه‌ای و موارد تبدیل شدن به هاب انرژی، حضور در راه‌گذرهای انرژی، عقد قراردادهای چندجانبه در حوزه انرژی و انتقال گاز طبیعی مایع، برای کشورهای منطقه‌ای از مهم‌ترین دلایل اهمیت انرژی دریای مدیترانه هستند.

کلیدواژه‌ها:

انرژی، دریای مدیترانه،
ژئوپلیتیک، مکتب
کپنهاگ.

* نویسنده مسئول:

دکتر یعقوب قلندری

نشانی:

دکتری علوم سیاسی، دانشکده اقتصاد
و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی،
تهران، ایران

پست الکترونیکی:

yakub65@sbu.ac.ir

استناد به این مقاله:

فهندز سعدی، سروش، علیزاده، علی، قلندری، یعقوب، بیاضی، سجاد. (۱۴۰۲). ژئوپلیتیک انرژی دریای مدیترانه. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۳(۵)، ۱۶۸-۱۴۵.

۱. مقدمه

دریای مدیترانه موقعیت ژئوپلیتیکی بسیار مهمی دارد که سبب شده است در ساختار نظام بین‌الملل از جایگاه ویژه‌ای بهره‌مند باشد. دریای میانه از آن جهت به مدیترانه گفته شده است که میان اروپا، آفریقا و آسیا واقع شده است و موقعیت بسیار ویژه و منحصر به فردی دارد. مدیترانه از سمت غرب و از راه جبل الطارق در حد فاصل دو کشور اروپایی و آفریقایی اسپانیا و مراکش، به اقیانوس اطلس وصل می‌شود. در سمت شمال شرقی نیز از راه ترکیه و اردانل، به مارمارا و دریای سیاه وصل می‌شود و در پایین، یعنی در جنوب شرقی نیز با کانال ۱۹۲ کیلومتری سوئز، از مصر گذشته و به دریای سرخ وصل می‌شود تا بخش مهمی از درآمد ارزی مصر، وابسته به مدیترانه باشد.

به‌طور کلی، دریای مدیترانه منطقه‌ای پرجمعیت با تاریخ سیاسی پیچیده‌ای است که شامل بسیاری از گروه‌های قومی مختلف است. این امر به ایجاد نقشه سیاسی پیچیده و تکه‌تکه منجر شده است. امروزه ۲۱ کشور با مساحت ۲ کیلومتر مربع تا ۴،۲ میلیون کیلومتر مربع دارای خطوط ساحلی در دریای مدیترانه هستند که شامل آلبانی، الجزایر، بوسنی و هرزگوین، کرواسی، قبرس، مصر، فرانسه، یونان، اسرائیل، ایتالیا، لبنان، لیبی، مالت، موناکو، مونته‌نگرو، مراکش، اسلوانی، اسپانیا، سوریه، تونس و ترکیه هستند. این دریا ذخایر بزرگ انرژی دارد که همین موضوع باعث شده است قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به دنبال افزایش حوزه نفوذ خود در مدیترانه باشند (El Rhazi, et.al, 2020: 1). این اهمیت در چند سال گذشته دوچندان شده است.

از اوایل دهه ۲۰۰۰، بازی بزرگ جدیدی در میان بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر سر دسترسی به میدان‌های انرژی فسیلی در مدیترانه شکل گرفته است. در کنار این ظرفیت، بحث در مورد اکتشافات، فرایندهای تولید و گزینه‌های انتقال منابع ادامه یافته است. اگرچه وضعیت کنونی منطقه از ۲۰ سال پیش آغاز شده است، فرایند تاریخی حفاری دریایی در شرق مدیترانه به دهه ۱۹۶۰ برمی‌گردد. در این مدت مصر و اسرائیل عملیات‌های حفاری مختلفی را انجام داده‌اند. همچنین هر یک از دولت‌های ساحلی مدیترانه، یک منطقه انحصاری و اقتصادی، به طول ۲۰۰ مایل، برای بهره‌برداری از منابع انرژی در کف دریا اعلام کرده‌اند. اسرائیل، مصر، قبرس جنوبی، لبنان، سوریه و فلسطین کشورهایی هستند که منابع انرژی بالقوه دارند و اکتشافات گاز طبیعی در شرق مدیترانه در آن‌ها انجام می‌شود. شناخته‌شده‌ترین اکتشافات در شرق مدیترانه مناطق تامار

و لویاتان است که در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ کشف شده‌اند؛ در این دو منطقه در مجموع، ۹۰۰ میلیارد متر مکعب گاز وجود دارد. شایان توجه است که ۳۵ تریلیون متر مکعب گاز طبیعی در آب‌های اسرائیل و قبرس کشف شده است و احتمال یافتن ۸۵ تریلیون متر مکعب مخزن گاز طبیعی دیگر در سواحل سوریه، لبنان و فلسطین وجود دارد (Demir, Tekir, 2017: 4). این دو میدان، بزرگ‌ترین کشف گازهای عمیق جهان در آن دوره بودند. بعدها، کشف میدان آفرودیته در سال ۲۰۱۱ و میدان گازی ظهر در سال ۲۰۱۵ موقعیت دریای مدیترانه را از سطح منطقه‌ای به سطح جهانی تغییر داد.

ذخایر اثبات‌شده هیدروکربن‌ها و اکتشافات جدید در شرق مدیترانه، ممکن است قابل قیاس با ذخایر عربستان، ایران، قطر، روسیه و امارات نباشد که کل منطقه یا هرکدام از کشورهای صاحب آن را به بازیگر جهانی انرژی تبدیل کند، اما می‌تواند نقش مهمی در بازار جهانی به‌ویژه اروپا داشته باشد؛ همچنین می‌تواند مسیر انتقال انرژی مهمی نیز باشد. براساس آخرین برآوردها، ظرفیت نفت و گاز منطقه مدیترانه، به ترتیب تقریباً ۵ میلیارد بشکه و بیش از ۱۳،۵ تریلیون متر مکعب است (Kavaz, 2021: 4). کشف مقدار قابل توجهی از منابع گسترده انرژی در مدیترانه شرقی، این منطقه را به محیط رقابت چندبعدی تبدیل کرده است. اروپا برنامه دارد مدیترانه را تبدیل به یکی از اصلی‌ترین نقاط تأمین انرژی خود کند و تاکنون نیز در این راه قدم‌های بزرگی برداشته است.

در این پژوهش با توجه به گستردگی دریای مدیترانه و تنوع فعالیت‌های تجاری در آن، می‌خواهیم با تأکید بر حوزه انرژی، اهمیت دریای مدیترانه را برای قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مطالعه کنیم و در پی پاسخ به این پرسش هستیم که اهمیت دریای مدیترانه برای قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از منظر انرژی چیست؟ و اهمیت دریای مدیترانه در تحولات بازار انرژی جهان چیست؟ و دریای مدیترانه در انتقال انرژی به سایر نقاط جهان چه نقشی دارد؟ در این مقاله، با استفاده از منابع اسنادی و روش توصیفی تحلیلی به دنبال پاسخ این پرسش‌ها هستیم. این پژوهش از این نظر اهمیت دارد که حل بسیاری از اختلافات کنونی یا رسیدن به توافق‌نامه‌های آینده در مدیترانه، با فهم اهمیت انرژی منطقه امکان‌پذیر است و می‌توان مدل‌های گوناگون منطقه‌ای را در این زمینه ترسیم کرد که در نهایت می‌تواند به همکاری‌های منطقه‌ای و افزایش صلح و ثبات منجر شود. ضرورت پژوهش حاضر در این است که تقریباً در میان پژوهش‌های علمی، خلأ مطالعه جامع این موضوع احساس می‌شود که باعث شده بسیاری از تحولات مدیترانه برای مخاطبان مجهول بماند.

۲. پیشینه پژوهش

در سال‌های گذشته با توجه به اکتشافات انجام‌شده در شرق مدیترانه و برجسته‌شدن اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی این دریا، پژوهش‌های محدودی در این حوزه انجام شده است و اکثریت آن‌ها جامعیت لازم را ندارند و به مباحث انرژی به صورت کلی پرداخته‌اند. در این پژوهش می‌خواهیم دریای مدیترانه را از منظر اهمیت انرژی موجود در آن برای کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بررسی کنیم.

روبینو (۲۰۲۰) در مقاله «اقتصاد سیاسی همکاری اروپا و مدیترانه در بازار گاز: نقش سهامداران داخلی و کمیسیون اروپا»^۱ نشان می‌دهد که چگونه اصلاحات، طرفدار ایجاد رقابت توسط اتحادیه اروپا در بخش گاز در شکل‌دادن به بازار داخلی کشورهای عضو و همچنین بخش گاز در کل منطقه اروپا و مدیترانه ناموفق بوده است. از زمان مناقشات گازی روسیه و اوکراین و اکتشافات گازی اخیر در منطقه مدیترانه شرقی، مسائل مربوط به همکاری گازی اروپا و مدیترانه در خط مقدم دستور کار انرژی قرار گرفته است. او نشان می‌دهد که اقتصاد سیاسی صنعت گاز به دلیل ناقص بودن بازارها، نیازمند گسترش روابط بلندمدت با کشورهای صادرکننده در حوزه مدیترانه (و سایر نقاط) است.

گلانوس و دیگران (۲۰۱۹) در مقاله «اقتصاد سیاسی شرق مدیترانه»^۲ اقتصاد سیاسی مدیترانه شرقی در سایه بحران اقتصادی بین‌المللی را بررسی کرده‌اند. بحران اقتصادی بین‌المللی که برای اولین بار در سال ۲۰۰۷ ظاهر شد، مستقیماً بر برخی از اقتصادهای شرق مدیترانه تأثیر گذاشت. این کشورهای مدیترانه شرقی تحت تأثیر این بحران قرار گرفتند: قبرس، مصر، یونان، اسرائیل، اردن، لبنان، سوریه و ترکیه. قلمروی زمانی این پژوهش نیز سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۶ است. برای این منظور، نویسندگان ابتدا شاخص‌های کلان اقتصادی (تولید ناخالص داخلی، تولید ناخالص داخلی سرانه، رشد تولید ناخالص داخلی، تراز خارجی دولت، تورم و بیکاری) را که موقعیت اقتصادی کشورهای مدیترانه شرقی را در نظام اقتصادی بین‌المللی نشان می‌دهند، تحلیل می‌کنند. تفاوت پژوهش گلانوس نسبت به پژوهش حاضر در این است که او فقط به اقتصاد کشورهای شرق مدیترانه می‌پردازد و به حوزه بین‌الملل توجهی ندارد؛ همچنین به نقش

1. <https://doi.org/10.1016/j.resourpol.2020.101883>

2. https://doi.org/10.1007/978-3-319-90758-1_4

انرژی در میان کشورهای منطقه و اهمیت آن برای اقتصاد این کشورها توجه ویژه نشده است.

استرجیح (۲۰۱۷) در مقاله «امنیت انرژی در شرق مدیترانه» می‌گوید منطقه مدیترانه شرقی از سال ۲۰۰۹ اکتشافات گسترده‌ای در منابع انرژی در مناطق اسرائیل، قبرس و مصر (میدان‌های لویاتان، تامار، آفودیت و ظهر) را تجربه کرده است. اکتشافات انرژی مربوط به مناطق انحصاری و اقتصادی حوزه مدیترانه به‌عنوان تغییردهنده بازی در منطقه و به‌عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به امنیت انرژی یاد شده است. او با بررسی معماری ژئوپلیتیکی منطقه، با توجه به درگیری‌های قومی و سیاسی طولانی مدت و همچنین برخی دیگر از عوامل اقتصادی و سیاسی مرتبط با حجم تأیید شده انرژی مدیترانه، استدلال می‌کند که اکتشافات کنونی انرژی به‌سختی می‌تواند تأمین‌کننده طولانی مدت انرژی مورد انتظار برای بازیگران منطقه‌ای و غیر منطقه‌ای در آینده قابل پیش‌بینی باشد. این پژوهش در اهمیت وجود این ذخایر و نه فقط صادرات درازمدت آن با پژوهش حاضر تفاوت دارد. همچنین در این پژوهش ما ظرفیت مدیترانه را به‌عنوان یک راه‌گذر انرژی به سایر نقاط جهان بررسی می‌کنیم.

موسوی قرالری (۱۳۹۸) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «راهبرد ترکیه برای تبدیل شدن به هاب انرژی منطقه و چالش‌های آن» با تأکید بر اهمیت دریای مدیترانه به دلیل داشتن ذخایر انرژی فسیلی، به اهمیت آن برای ترکیه می‌پردازد و بیشتر به این مورد تمرکز می‌کند. او معتقد است ترکیه ظرفیت تبدیل شدن به هاب انرژی منطقه را دارد و سیاست‌مداران این کشور در حال ریل‌گذاری سیاست‌های داخلی و خارجی برای حرکت به این سمت هستند. پژوهش موسوی در حوزه تمرکز مطالعاتی و جامعیت آن با این مقاله تفاوت دارد و فقط به یک کشور توجه می‌کند.

النا ژافری (۲۰۰۹) در پایان‌نامه‌اش با عنوان «اقتصاد سیاسی همکاری یورو-مدیترانه، یک راهبرد دولاب» اتحادیه اروپا را عنصر کمک‌کننده مهم و بازیگر اصلی در ترویج توسعه و ارائه کمک‌های مالی و حکومتی در شمال آفریقا و منطقه خاورمیانه و همچنین مدیترانه می‌داند. هدف اصلی او روشن کردن طرح سیاست و اجرای توافق‌نامه تجارت آزاد با همکاری اقتصادی و مالی است که اتحادیه اروپا با کشورهای حوزه‌های یادشده ایجاد کرده است. ژافری تلاش می‌کند به این سؤال پاسخ دهد که اتحادیه اروپا از مرحله اولیه اهداف خود مانند ایجاد توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدارتر، رشد اقتصادی و امنیت اجتماعی دست‌یافته است یا خیر؟

او مطالعه موردی خود را بر مراکش متمرکز می‌کند و بر این فرض استوار است که بین اهداف سیاست کلی مشارکت اتحادیه در مدیریتانه و نتایج به‌دست‌آمده آن، اختلاف زیادی وجود دارد.

با توجه به آنچه بیان شد، پژوهش حاضر علاوه بر تمرکز بر میدان‌های قدیم و تازه کشف‌شده در منطقه و اهمیت آن‌ها در تغییر موازنه انرژی برای روسیه و غرب آسیا، این حوزه جغرافیایی را از منظر مسیری برای انتقال انرژی نیز مورد مطالعه می‌کند و اهمیت آن را نه تنها برای کشورهای منطقه، بلکه برای قدرت‌های فرامنطقه‌ای نیز بررسی می‌کند. همچنین پژوهش حاضر تکیه خود را فقط بر تحلیل کیفی قرار نداده است و از نظر نخبگان این حوزه در قالب پرسشنامه بهره‌برده است؛ تمایزی که در سایر پژوهش‌های مرتبط، خلأ آن احساس می‌شود.

۳. چارچوب نظری

از دیرباز امنیت یکی از مهم‌ترین نیازهای جوامع بشری بوده است و فلاسفه و سیاست‌مداران به‌دنبال ارائه چهارچوبی برای درک و فهم آن بوده‌اند. در این زمینه نظریه‌های واقع‌گرایی و لیبرالیسم از مهم‌ترین پارادایم‌های حوزه مطالعات امنیت بوده‌اند. واقع‌گرایی بر نقش دولت‌ها تأکید بسیار داشت و آن‌ها را بازیگران اصلی حوزه امنیت به حساب می‌آورد و لیبرالیسم بر کثرت بازیگران و نهادهای بین‌المللی تأکید داشت؛ هرچند که هر دو پارادایم، تقلیل‌گرایانه بودند؛ از این رو نظریه‌های انتقادی و جدیدی در حوزه امنیت شکل گرفتند که مهم‌ترین آن‌ها سازه‌نگاری و مکتب کپنهاگ بود. امنیت در دنیای امروز تعریفی موسع دارد که همه ابعاد زندگی مردم مانند اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و محیط زیستی را در بر می‌گیرد.

مطالعات امنیت تغییرات محسوسی را به خود دیده است و از تمرکز پیشین خود بر تهدید و استفاده صرف از نیروی نظامی و موضوعات مرتبط با آن فاصله گرفت. موضوعات نوینی مانند بارش‌های اسیدی، گسترش بیماری‌های همه‌گیر، قاچاق مواد مخدر، کاهش منابع تجدیدپذیر کره زمین، تغییرات اقلیمی و گرم شدن جهان، بحران‌های اقتصادی و افزایش شکاف میان ثروتمندان و فقرا نیز وارد حوزه مطالعات امنیت شده است. حال با توجه به نظریه‌های مختلفی که در مطالعات امنیت مطرح شده‌اند، مکتب امنیتی کپنهاگ می‌تواند چهارچوب کاملی برای موضوع این پژوهش باشد. با بررسی امنیت منطقه‌ای در مدیریتانه از بعد اقتصادی و رابطه آن با میدان‌های کشف‌شده انرژی، رژیم‌های منطقه‌ای حاصل آن یا منازعات احتمالی را ذیل مکتب کپنهاگ بررسی می‌کنیم.

الف) نظریه امنیت منطقه‌ای مکتب کپنهاگ

یکی از مهم‌ترین و بحث‌برانگیزترین موضوعات مربوط به گفتمان نظری مکتب کپنهاگ، ایده امنیتی‌سازی است که در آثار اعضای این مکتب بیان شده است. اوله ویور و بری بوزان، هسته اصلی مکتب کپنهاگ، امنیتی‌سازی را کنش گفتاری موفق تعریف می‌کنند که به وسیله آن یک درک بین‌الاذهانی در یک جامعه سیاسی ساخته می‌شود تا چیزی را به‌عنوان یک تهدید وجودی برای یک مفهوم باارزش در نظر بگیرد و آن را برای اقدامات فوری و استثنایی برای مقابله با تهدید برجسته کند. با این حال، گفتمان مربوط به امنیتی‌کردن به‌جای ارائه یک موقعیت تلفیقی، شروع به تبدیل ایده جدید به یک نظریه امنیتی جامع‌تر کرده است (Stritzel, 2007: 2).

نظریه امنیت منطقه‌ای پیچیده، نظریه‌ای در رابطه با روابط بین‌الملل است که بری بوزان و اوله ویور توسعه داده‌اند و در سال ۲۰۰۳ در اثر آن‌ها با عنوان «مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌الملل» گسترش پیدا کرد. نظریه امنیت منطقه‌ای می‌گوید امنیت بین‌المللی باید از منظر منطقه‌ای بررسی شود و روابط بین دولت‌ها (و سایر بازیگران) الگوهای منظم و مجموعه‌ای جغرافیایی را نشان دهد. نظریه امنیتی منطقه‌ای اصطلاحی است که بوزان و ویور برای توصیف چنین ساختارهایی ابداع کردند. نظریه‌های امنیتی منطقه‌ای به‌عنوان الگوهای متمایز و پایدار تعامل امنیتی بین بازیگران تعریف می‌شوند. آن‌ها با درجاتی از تعامل که با یکدیگر دارند، متمایز می‌شوند. همان‌طور که از نام آن پیداست نظریه‌های امنیت منطقه‌ای «طبیعتاً جغرافیایی» هستند و از بازیگران همسایه تشکیل شده و با موانع طبیعی مانند اقیانوس‌ها، بیابان‌ها و رشته‌کوه‌ها از یکدیگر جدا شده‌اند. در نظریه امنیت منطقه‌ای اعتقاد بر این است که «اقدامات و انگیزه‌های بازیگران در زمینه امنیت بین‌المللی به شدت منطقه‌ای است». بدان معنا که نگرانی‌های امنیتی یک بازیگر اساساً در همسایگی آن‌ها ایجاد می‌شود. امنیت هر یک از بازیگران در یک منطقه با امنیت بازیگران دیگر در تعامل است. بیشتر نگرانی‌های امنیتی در مسافت‌های دور رخ نمی‌دهد و بنابراین به احتمال زیاد تهدیدها در همسایگی نزدیک یک بازیگر به وقوع می‌پیوندد (Buzan & Wæver, 2003: 41-47).

تأکید بر قدرت ملی و دولت در مطالعات امنیت، همان‌طور که در رویکرد مکتب کپنهاگ تعریف می‌شود، به نقش ژئوپلیتیک در تعیین مؤلفه‌های امنیت انرژی اهمیت می‌دهد. مکتب کپنهاگ مانند واقع‌گرایی به ژئوپلیتیک اهمیت بسیار زیادی می‌دهد و طبق تعاریف عوامل

ژئوپلیتیکی ارتباط نزدیکی با امنیت دولت دارند. وجود منابع انرژی و نزدیکی به آن‌ها از عناصر مهم قدرت ژئوپلیتیکی است (Pinar Buket, 2021: 5). از نظر بالدوین «قدرت چهار ابزار مختلف دارد که عبارت‌اند از نمادهای ظاهری، اقتصادی، نظامی و دیپلماتیک». پارادایم‌های واقع‌گرایی و نواقح‌گرایی با توجه به این عناصر قدرت، میزان امنیت یک دولت را تعریف می‌کنند (Ashley, 1984: 272). قدرت شامل تمامی امکانات ملموس و ناملموسی است که یک دولت ممکن است برای تأثیرگذاری بر سایر کشورها از آن استفاده کند. برای نمونه، جغرافیا و منابع انرژی عناصر قدرت هستند. انرژی عنصری است که هم برای مالکان آن و هم برای کشورهای مسیر و تجهیزات حمل‌ونقل انرژی را تأمین می‌کنند، منافع اقتصادی و سیاسی دارد (Pinar Buket, 2021: 8). ژئوپلیتیک انرژی هر منطقه باید با اندازه و موقعیت منابع انرژی خود و سایر منابع طبیعی موجود، میزان در دسترس بودن آن‌ها، دولت کنترل‌کننده بر آن‌ها، هزینه استخراج، مسیرهای حمل‌ونقل آن به دیگر مناطق، چگونگی ایجاد تعادل در بازار منطقه‌ای و جهانی، سازوکارها و مقررات بازار و تصمیمات سیاسی به‌خوبی تعریف شوند (Mehmet, Yorucu, 2020: 43).

برای رسیدن به امنیت در چهارچوب نظریه کپنهاگ، ایجاد رژیم‌های بین‌المللی از مهم‌ترین ابزار رسیدن به امنیت است. نظریه رژیم‌ها بر قواعد سیاسی متمرکز است که روابط اقتصادی را شکل می‌دهند و محیطی را ایجاد می‌کنند که دولت‌ها و بازارها در آن فعالیت می‌کنند. مدل رژیم‌ها، بحران‌های انرژی و مسائل امنیت آن را از منظر رژیم‌های بین‌المللی بررسی می‌کند که در آن ارزش‌ها، هنجارها، انتظارات و روابط متقابل، رفتار بازیگران را تغییر می‌دهند. قدرتمندترین بازیگر رژیم، کالاهای عمومی و منافع مردم کشورها است. بر اساس این مدل، رژیم‌ها زمانی تغییر می‌کنند که وزن قدرتمندترین بازیگر یا هژمون تغییر کرده باشد. نظریه پردازان رژیم‌ها، مانند کوهن و نای، بحران‌های بازار انرژی در دهه ۱۹۷۰ را در این زمینه مفهوم‌سازی می‌کنند. نای رژیم بین‌المللی نفت قبل از سال ۱۹۷۳ را به‌عنوان یکی از انحصارات بازار مطالعه می‌کند که بیشتر از اینکه یک رژیم بین‌المللی باشد، روابط کشورهای تولیدکننده با کشورهای صنعتی مصرف‌کننده عامل تعیین بازار نفت و گاز بود. اما پس از سال ۱۹۷۳، تغییر قابل توجهی در رژیم بین‌المللی نفت رخ داد. با تحریم اوپک و بحران نفت، کشورهای تولیدکننده، سطح تولید را تعیین کردند که به آن‌ها اهرم بزرگی در سیاست و اقتصاد بین‌المللی داد. به گفته نای، این منجر به انتقال عظیم قدرت و ثروت از جهان صنعتی به اعضای نسبتاً «فقیر» نظام بین‌الملل شد. نای بر این باور است که رژیم بین‌المللی اوپک توانست از سطح تولید و منابع نفت و گاز

خود به عنوان سلاح استفاده کند که نتیجه آن تغییر موازنه قدرت میان کشورهای تولیدکننده و مصرف کننده انرژی فسیلی بود (Özdamar, 2010: 5)

۴. روش شناسی پژوهش

در این پژوهش به توصیف عینی، واقعی و منظم از موضوع می پردازیم و روش پژوهش کمی نظام مند با روش توصیفی است. به منظور پاسخ دادن به سؤالات پژوهش، ابتدا با روش کتابخانه ای اقدام به گردآوری اطلاعات کرده ایم و سپس مطالب استخراج شده را در قالب پرسشنامه در اختیار جامعه آماری قرار داده ایم و پایایی آن را با نرم افزار اسپاس اس سنجدیدیم. صاحب نظران و نخبگان رشته های علوم سیاسی، روابط بین الملل و اقتصاد و همچنین دانشجویان فارغ التحصیل ارشد و دکتری دانشگاه های تهران، شهید بهشتی و علامه طباطبایی که در رشته های مذکور تحصیل می کنند، به عنوان جامعه نمونه این پژوهش در نظر گرفته شده اند. در این پژوهش جامعه آماری ۷۰ نفر است؛ بنابراین با توجه به ویژگی های جامعه آماری، حجم جامعه آماری کمتر از ۱۰۰ نفر است. به دلیل محدود بودن جامعه آماری، نمونه آماری همان جامعه آماری است و روش نمونه گیری به صورت تمام شمار است. همچنین داده های گردآوری شده با روش دلفی فازی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. به منظور گردآوری اطلاعات مورد نیاز از این روش ها استفاده شده است:

الف) روش کتابخانه ای: مراجعه به کتابخانه های معتبر و بهره گیری از کتاب های علمی و تخصصی مرتبط با موضوع و همچنین استفاده از کتاب های انگلیسی موجود و منابع معتبر اینترنتی.

ب) روش میدانی: بهره گیری از پرسشنامه محقق ساخته با توجه به ویژگی های مرتبط با روایی و اعتبار آن.

ابزار سنجش و گردآوری اطلاعات این پژوهش با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به میزان ۰،۷۷۲، است که از پایایی قابل قبولی بهره می برد. رویکرد دلفی فازی روشی برای رسیدن به اجماع نظرات و دیدگاه خبرگان است که این رویکرد بر مبنای منطق محاسبات فازی است. همچنین این رویکرد بر مبنای نظرات کارشناسان و خبرگان بوده است. رویکرد اصلی دلفی فازی، غربالگری عوامل برای دستیابی به مهم ترین آن ها است. مراحل دلفی فازی که در این پژوهش استفاده کرده ایم به این شرح است:

۱. گردآوری نظرات خبرگان: به وسیله پرسشنامه برای غربالگری عوامل استفاده شده و با

استفاده از متغیرهای زبانی میزان اهمیت عوامل مشخص می‌شود.

۲. غربالگری و تأیید شاخص‌ها: در این قسمت یک مقدار آستانه (اصولاً عدد ۷) در نظر گرفته می‌شود و مقدار ارزش به دست آمده از عامل‌ها با مقدار آستانه تعیین شده مقایسه می‌شود.

۳. اجماع نظرات: در این قسمت کارشناسان باید به یک اجماع کلی در تصمیماتشان برسند.

۵ یافته‌های پژوهش

با توجه به روش در این پژوهش، یافته‌های آن به دو بخش تقسیم می‌شود: یافته‌های حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای و ارائه یافته‌های مرحله قبل به جامعه آماری. بنابراین در این بخش، ابتدا به یافته‌های حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای می‌پردازیم و سپس موارد یافته‌شده در این بخش را ارائه خواهیم کرد.

۵-۱. یافته‌های حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای

الف) تأثیر دریای مدیترانه بر تحولات انرژی دنیا و بازار جهانی انرژی

از ابتدای دهه ۱۹۸۰، علاقه به اکتشاف و تولید نفت و گاز طبیعی در دریای مدیترانه افزایش یافته است. در حالی که تولید نفت و گاز طبیعی مدیترانه تنها بخش کوچکی از تولید جهانی است، بخش قابل توجهی از کل پالایش نفت جهان در منطقه مدیترانه انجام می‌شود. یکی از مهم‌ترین اهمیت منابع انرژی این منطقه را باید در همین نکته پیدا کرد. اروپا یکی از مهم‌ترین مقاصد صادراتی انرژی دریای مدیترانه است که بعد از حوادث روسیه و اوکراین و قطع گاز صادراتی روسیه به اتحادیه اروپا، گسترش واردات انرژی از این منطقه برای اتحادیه اروپا در دستور کار قرار گرفت. وابستگی انرژی اتحادیه اروپا ۶، ۵۴ درصد در سال ۲۰۱۳ به مدیترانه بوده است که نسبت به سال ۲۰۰۳، ۴، ۵ درصد افزایش داشته است (Euro-Mediterranean statistics, 2015 edition)

اروپا بزرگ‌ترین مصرف‌کننده منابع انرژی شرق مدیترانه است. تقریباً مسلم است که در آینده، با متنوع کردن واردات انرژی از سوی اروپا، شرق مدیترانه به‌طور فزاینده‌ای به شریک انرژی کشورهای اروپایی تبدیل خواهد شد. دو تفکر در مستدل کردن این فرضیه مطرح شده وجود دارد: تفکر اول، قدرت هنجاری اروپا است؛ انتظار می‌رود که مشارکت نزدیک‌تر به وسیله هنجارها و ارزش‌های اتحادیه اروپا که در بقیه قاره گسترش می‌یابد، شکوفا شود. از نظر اتحادیه، ثبات

و امنیت همسایگان آن مساوی است با امنیت کشورهای درون اتحادیه؛ زیرا ثبات کشورهای ساحل مدیترانه، تأثیر مهم و مستقیمی بر اروپا دارد. به دنبال نشست نوامبر ۱۹۹۵ در بارسلونا با حضور وزیران امور خارجه اتحادیه اروپا و ۱۲ کشور دیگر غیراتحادیه‌ای واقع در سواحل مدیترانه (فلسطین، سوریه، لبنان، الجزایر، لیبی، مراکش، تونس، مصر، قبرس و ترکیه) برگزار شد، رسماً برنامه «مشارکت اروپا و مدیترانه» اجرا شد (Ajili, 2020: 4).

تفکر دوم، ژئوپلیتیکی است که بر علاقه اتحادیه اروپا در تأکید بر ضرورت نزدیک شدن به شریکان شرقی به عنوان جایگزینی در برابر «روسیه تجدیدنظرطلب»، تأکید می‌کند. پس از حوادث روسیه و اوکراین در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۲۲، هنگامی که تحویل گاز روسیه به بازارهای اتحادیه اروپا از راه اوکراین متوقف شد، اتحادیه اروپا نه اوکراین را به عنوان یک کشور ترانزیت مطمئن و نه روسیه را به عنوان یک تأمین کننده قابل اعتماد در نظر می‌گیرد (Crombois, 2017: 112). در جدول ۱ حجم اکتشافات گازی میدان‌های مختلف در مدیترانه آمده است.

جدول ۱. حجم اکتشافات گازی میدان‌های مختلف در مدیترانه

کشور	میدان گازی	سال اکتشاف	ذخایر (بر حسب میلیارد متر مکعب)
رژیم صهیونیستی	تامار	۲۰۰۹	۳۰۵
	لویاتان	۲۰۱۰	۶۴۹
	تنین	۲۰۱۲	۲۶
	کاریش	۲۰۱۳	۳۹
قبرس	رونی	۲۰۱۴	۹۶
	آفرودیته	۲۰۱۱	۱۲۹
	کالیپسو	۲۰۱۸	۱۵۰
مصر	گلاسوس	۲۰۱۹	۱۴۲
	ظهر	۲۰۱۵	۸۵۰
	نوروس کبیر	۲۰۱۶	۸۵
	دلتای نیل غربی	۲۰۱۵	۷۷
فلسطین	آتول	۲۰۱۵	۴۲
	میدان گازی غزه	۲۰۰۰	۳۰

Shin, Kim, 2021:136-144 Tagliapietra, 2020; Bowlus, 2020; Source: ENI, 2021

سوریه و لبنان نیز ذخایر انرژی قابل توجهی دارند. شرکت اسپکتروم نیروژ طی یک بررسی لرزه‌نگاری سه‌بعدی در منطقه انحصاری اقتصادی لبنان، به این نتیجه رسیده است که ذخایر موجود در این منطقه می‌تواند بیشتر از برآورد اولیه باشد که ۷۰۸ میلیارد متر مکعب تخمین زده شده بود. میزان ذخایر نفتی سوریه ۲،۴ میلیارد بشکه و میزان ذخایر گاز طبیعی سوریه ۲۴۰ میلیارد متر مکعب برآورد شده است. حوزه‌های نفتی سوریه بیشتر در بخش‌های شرقی و شمالی در نزدیک مرزهای عراق و ترکیه و پایانه‌های صادراتی و تصفیه‌خانه‌ها در بخش غربی و در نزدیک دریای مدیترانه واقع است. شایان توجه است که این کشور به داشتن نوع خاصی از نفت سبک و همچنین استخراج فسفات معروف است. با توجه به داده‌های موجود در سال ۲۰۱۰ بزرگ‌ترین میدان نفتی سوریه مصفا بنیاس در تکریر النفط قرار دارد؛ سه استان اصلی نفت‌خیز سوریه نیز الحسکه، تدمر و دیر الزور هستند. همچنین بزرگ‌ترین میدان گازی سوریه حقل شاعر در تدمر و اصلی‌ترین استان سوریه به لحاظ ذخایر گازی استان تدمر است (Mehmet, Yorucu, 2018: 114-117).

ب) اهمیت و جایگاه دریای مدیترانه در تأمین انرژی اروپا

گاز طبیعی بخشی جدایی‌ناپذیری از راهبرد «انرژی پاک برای همه اروپایی‌ها» است. گاز طبیعی به‌عنوان پلی در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند در انتقال از انرژی‌های فسیلی به انرژی‌های تجدیدپذیر کمک کند. برخلاف سایر انواع دیگر سوخت‌ها، نیروگاه‌های گازی به‌راحتی می‌توانند در سطوح مختلفی قابل استفاده باشند و هنگام سوختن، ۵۰ درصد دی‌اکسید کربن کمتری نسبت به زغال‌سنگ تولید می‌کنند. مصرف گاز سالانه اروپا هنوز در درجه اول توسط روسیه (بیش از یک‌سوم منبع تأمین گاز طبیعی اروپا) و در درجه دوم توسط نیروژ و دیگر کشورها مانند الجزایر تأمین می‌شود؛ اگرچه تولید گاز در نیروژ به تدریج در حال کاهش است (Ellinas, 2016: 50). در کمترین حالت میزان تقاضا، واردات مورد نیاز در سال ۲۰۲۰ اندکی کمتر (حدود ۱۰ میلیارد متر مکعب) باشد، اما تا سال ۲۰۲۵ حدود ۲۰ میلیارد متر مکعب بیشتر از میزان سال ۲۰۱۵ خواهد بود. به این ترتیب، واردات گاز اتحادیه اروپا همچنان نقش مهمی در بازار گاز این اتحادیه دارد. تخمین زده می‌شود که روسیه بزرگ‌ترین منبع تأمین تا سال ۲۰۲۵ باقی بماند و سهم واردات گاز اتحادیه اروپا از روسیه به ۴۰ درصد برسد (Pisca, 2016: 25-27).

چشم‌انداز ایجاد یک مرکز صادرات گاز جدید در شرق مدیترانه برای اروپا بسیار جذاب است؛ همان‌طور که توضیح دادیم، نگرانی از کاهش تولید در دریای شمال و وابستگی فزاینده

اتحادیه اروپا به روسیه از اصلی‌ترین دغدغه‌های اروپاییان است. منابع جدید می‌توانند منبع انرژی برای بازارهای اروپایی ایجاد کنند و فرصت‌های تنوع‌بخشی را برای کشورهای وابسته به یک تأمین‌کننده واحد را افزایش دهند. در حال حاضر، مدیریتانه مسیر مهمی برای واردات نفت و گاز اتحادیه اروپا است؛ زیرا تقریباً ۳۵ درصد گاز طبیعی و ۵۰ درصد نفت مورد استفاده اتحادیه از این منطقه حمل می‌شود (Tziarras, 2019: 20-21).

اتحادیه اروپا قاره‌ای است که از نظر انرژی به منابع خارجی وابسته است. کشورهای اتحادیه اروپا که بیشتر از نظر تأمین منابع انرژی خود به روسیه وابسته هستند، از سوءاستفاده این کشور از گاز طبیعی به‌عنوان ابزار سیاسی در بحران اوکراین ناراضی هستند و این باعث شد حساسیتی در مورد امنیت انرژی پدید آید. پس از عضویت قبرس جنوبی در اتحادیه اروپا، دیدیم اتحادیه اروپا فعالانه در بحث گاز طبیعی در دریای مدیترانه شرقی مشارکت داشته است. اهمیت جغرافیای سیاسی مدیترانه، زمانی جلوه می‌کند که اتحادیه اروپا به تمام قبرس (از جمله قلمروی ترک قبرس که عملاً در کنترل نیکوزیا نیست) عضویت این اتحادیه را داد بدون اینکه کشور تقسیم‌شده به‌طور کامل معیارهای الحاق را داشته باشد (Pierini, 2021: 2).

با توجه به وابستگی شدید اتحادیه اروپا به واردات انرژی خارجی، الحاق قبرس به اتحادیه اروپا، این اجازه را به اتحادیه می‌دهد که کنترل حقوقی را در بخش وسیعی از قسمت غنی از انرژی مدیترانه اعمال کند. در همین زمینه، اتحادیه اروپا برای حفظ نفوذ خود در مدیترانه، اقدام به تأسیس سازمان اتحاد برای مدیترانه کرده است. همچنین انگلستان و فرانسه در قبرس جنوبی پایگاه عظیم نظامی و اطلاعاتی دارند که خود بیانگر اهمیت این منطقه برای اروپا است. باید توجه کرد که راه‌گذر انرژی جنوبی، فرصتی را برای کاهش وابستگی به روسیه و شمال آفریقا و همچنین کاهش موقعیت غالب عرضه گاز روسیه و رقابتی شدن قیمت در بازارهای منطقه‌ای ایجاد می‌کند که در نهایت به نفع مصرف‌کنندگان محلی خواهد بود (Devlin, 2012: 185).

پ) اهمیت و جایگاه دریای مدیترانه برای انتقال انرژی به سایر نقاط دنیا

علاوه بر فعالیت‌های اکتشافی، حفاری و تولید، صادرات منابع انرژی در منطقه منجر به ایجاد مشکلات مالی، تجاری، حقوقی و ژئوپلیتیکی متعددی برای رقبای منطقه می‌شود. به‌طور کلی، سه سناریو در زمینه انتقال منابع انرژی از منطقه به بازارهای خارجی وجود دارد: اولین و محبوب‌ترین این گزینه‌های انتقال، پروژه خط لوله گاز طبیعی ایست-مد است؛ دومی مسیر ترکیه است؛ سومین

مورد انتقال منابع با تبدیل آن‌ها به تشکیل گاز طبیعی مایع است. طول کلی پروژه خط لوله ایست-مد ۱۹۰۰ کیلومتر است که شامل ۱۳۰۰ کیلومتر در ساحل و ۶۰۰ کیلومتر در خشکی است. از میدان گازی لویاتان در فلسطین اشغالی شروع می‌شود و این مسیری را دنبال می‌کند:

- خط لوله دریایی ۲۰۰ کیلومتری متصل‌کننده میدان لویاتان و قبرس؛

- خط لوله دریایی ۷۰۰ کیلومتری متصل‌کننده قبرس و جزیره کرت در یونان؛

- ۴۰۰ کیلومتر خط لوله دریایی بین کرت و سرزمین اصلی یونان؛

- ۶۰۰ کیلومتر خط لوله خشکی از جنوب به شمال غربی یونان (Mehmet, 2020: 129).

از راه این پروژه، منابع برای انتقال از شرق مدیترانه به اروپا و همچنین تأمین گاز به مناطق دیگر در این مسیر تجاری طرح‌ریزی شده است. در نتیجه این خط لوله، ۱۵ میلیارد مترمکعب گاز مورد نیاز اروپا از دریای مدیترانه تأمین می‌شود. روند ساخت خط لوله ایست-مد پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۲۵ به پایان برسد. این پروژه از نظر هزینه‌ها و احتمال افزایش قیمت‌های عرضه گاز اروپا به‌عنوان یک سرمایه‌گذاری سودآور محسوب نمی‌شود. در مقایسه با سایر خطوط لوله در منطقه، هزینه سرمایه‌گذاری پروژه ایست-مد تقریباً ۲۰ میلیارد دلار است؛ بنابراین با اتمام این پروژه، می‌توان گفت هزینه‌های ساخت و ساز بر قیمت خرید اروپا تأثیر خواهد گذاشت و انتظار می‌رود گاز طبیعی با قیمتی گران‌تر از میزان مورد نظر تأمین شود (ibid).

به‌عنوان جایگزینی برای پروژه ایست-مد، خط لوله‌ای که قرار است از ترکیه عبور کند همچنان در دستور کار قرار دارد. با استفاده از این خط لوله، انتقال گاز طبیعی از منطقه مدیترانه به اروپا از راه سرزمین‌های ترکیه امکان‌پذیر خواهد بود. در حال حاضر، زیرساخت‌های انتقال گاز طبیعی ترکیه کافی است؛ بنابراین این وضعیت از نظر مسیر انتقال مورد نظر مزیتی را برای این کشور فراهم می‌کند. علاوه بر این، دستاوردهای انتقال منابع انرژی از خط لوله انتقال گاز طبیعی آناتولی^۳ و پروژه‌های ترک استریم، ظرفیتی برای تبدیل شدن ترکیه به یک راه‌گذر انرژی است. علاوه بر این، خط لوله‌ای که از ترکیه عبور می‌کند به‌صرفه‌تر از پروژه ایست-مد خواهد بود، زیرا تقریباً تمام قسمت مسیر ترکیه به‌عنوان خط لوله در خشکی ساخته می‌شود.

3. TANAP

این محاسبات نشان می‌دهد که مسیر ترکیه ممکن است از نظر مالی سودمندتر از خط لوله ایست-مد باشد که عمدتاً شامل یک خط لوله دریایی است (Ersen, Çelikpala, 2019: 1).

سومین و آخرین گزینه جایگزین مورد بحث در منطقه، انتقال منابع گاز به‌عنوان گاز مایع است. تجارت گاز مایع در جهان امروز به سطح قابل توجهی رسیده است. در حالی که ۷ درصد از تجارت جهانی گاز با خطوط لوله انجام می‌شود، ۳ درصد به‌عنوان گاز مایع در سال ۲۰۱۹ منتقل شده است. برآوردها نشان می‌دهد که حجم تجارت گاز مایع در آینده افزایش می‌یابد و سهم آن در کل تجارت گاز تا سال ۲۰۴۰ به ۷۵ درصد می‌رسد (Shell CO, 2020).

گزینه گاز مایع را می‌توان به‌عنوان بهترین راه برای کوتاه‌مدت در انتقال منابع گاز از مدیترانه شرقی به بازارهای بین‌المللی انتخاب کرد. از آنجا که حوزه شرق مدیترانه به منطقه آسیا و اقیانوسیه نزدیک و انتقال منابع گاز به این منطقه بسیار پرهزینه است، بازار آسیا می‌تواند مکان مناسبی برای تجارت منابع شرق مدیترانه باشد.

در میان تأسیسات تولیدی گاز طبیعی مایع موجود در شرق مدیترانه، پایانه‌های ترکیه و مصر توجه‌ها را به خود جلب می‌کنند. مصر دو پایانه در مناطق ادکو و دمياط با ظرفیت کل گازرسانی ۱۹ میلیارد مترمکعب دارد. از سوی دیگر، با دو کارخانه گاز طبیعی و دو واحد شناور ذخیره و تجدیدپذیری^۴، کشور برتر منطقه از نظر ظرفیت تأسیسات گاز طبیعی ترکیه است. این کشور در مجموع ۶، ۴۵ میلیارد مترمکعب ظرفیت گازرسانی دارد. این ظرفیت بدین معناست که ترکیه مزیت راهبردی آشکاری در زمینه تأسیسات گاز طبیعی در مقایسه با سایر کشورهای منطقه دارد. در حال حاضر، مصر، اردن، مالت و ترکیه واحدهای شناور ذخیره و تجدیدپذیری در شرق مدیترانه دارند. علاوه بر این‌ها، اسرائیل می‌خواهد به‌زودی در زمینه واحدهای ذخیره‌سازی و تجدیدپذیری شناور سرمایه‌گذاری کند. با این واحدها، ظرفیت گازرسانی رژیم سالانه به ۳، ۵ تا ۷ میلیارد مترمکعب می‌رسد (Coskun, 2022).

پس از انقلاب‌های عربی و کشفیات اخیر گاز در دریای مدیترانه شرقی، اتحادیه اروپا بر راه‌گذر گازی جنوبی و مدیترانه شرقی تمرکز کرده است. راه‌گذر گاز جنوبی در حال حاضر به یکی از بالاترین اولویت‌های امنیت انرژی اتحادیه اروپا تبدیل شده است که نیاز به همکاری

4. FSRU

مشترک بین کمیسیون، کشورهای عضو اتحادیه اروپا و کشورها با هدف تضمین سریع تعهدات جدی در زمینه تأمین گاز و ساخت زیرساخت‌ها دارد. راه‌گذر انرژی جنوبی از راه ترکیه است (Devlin, 2012: 185)؛ خط لوله باکو، تفلیس و جیهان که نفت حوزه خزر را به پایانه صادراتی در بندر جیهان در جنوب ترکیه نزدیک مرز سوریه منتقل می‌کند (Mehmet, 2018: 30). دولین می‌گوید «راه‌گذر انرژی جنوبی فرصتی برای کاهش وابستگی به روسیه و شمال آفریقا و همچنین کاهش موقعیت غالب عرضه گاز روسیه و رقابتی شدن قیمت در بازار منطقه‌ای ایجاد می‌کند که در نهایت به نفع مصرف‌کنندگان محلی خواهد بود. ... کمیسیون اروپا آگاه است که افتتاح راه‌گذر جدید گاز کاری پیچیده است که نیاز به تعهد قوی و همچنین تلاش و هماهنگی فوق‌العاده دارد. برای این منظور، توسعه راه‌گذر جنوبی به‌عنوان هدف راهبردی سیاست خارجی انرژی اتحادیه اروپا تعریف شده است (Devlin, 2012: 187).

۲-۵. موارد استخراج‌شده از مطالعات کتابخانه‌ای

در مطالعات انجام‌شده برای اهمیت ژئوپلیتیک دریای مدیترانه از منظر انرژی برای کشورهای منطقه و فرامنطقه، به این عوامل رسیدیم:

۱. کاهش وابستگی به انرژی روسیه؛ ۲. امنیت انرژی اروپا؛ ۳. تضمین قراردادهای سرمایه‌گذاری برای شرکت‌های نفتی آمریکا؛ ۴. تبدیل شدن به هاب انرژی؛ ۵. حضور در راه‌گذرهای انرژی؛ ۶. عقد قراردادهای چندجانبه در حوزه انرژی؛ ۷. انتقال گاز طبیعی مایع.

۶. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در این بخش ابتدا به آمار توصیفی مصاحبه‌شوندگان و سپس به تجزیه و تحلیل پاسخ‌های آن‌ها می‌پردازیم.

جدول ۲. آمار توصیفی جنسیت

جنسیت	درصد
مرد	۹۰ درصد
زن	۱۰ درصد

Source: Authors

جدول ۳. آمار توصیفی سن

سن	درصد
زیر ۲۵ سال	۱۰ درصد
۲۵ تا ۳۰ سال	۴۴٫۲۹ درصد
۳۰ تا ۴۰ سال	۳۰ درصد
۴۰ به بالا	۱۵٫۷۱ درصد

Source: Authors

جدول ۴. آمار توصیفی تحصیلات

تحصیلات	درصد
کارشناسی ارشد	۵۲٫۸۵۷ درصد
دکتری	۴۷٫۱۴۳ درصد

Source: Authors

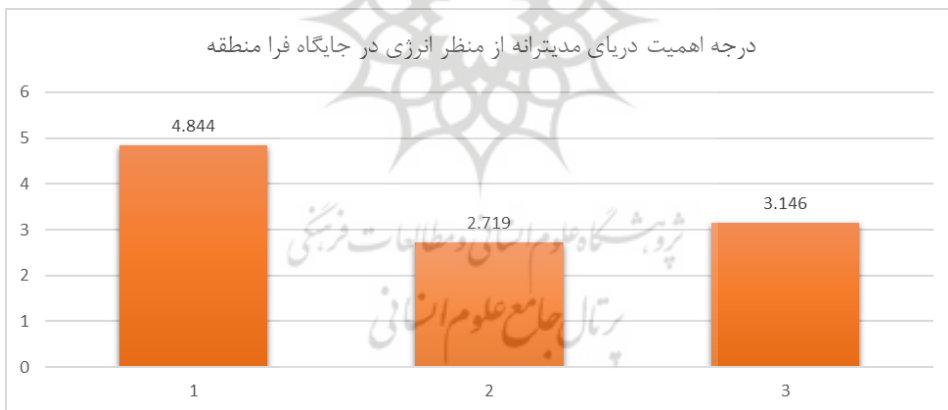
با توجه به تحولات اخیر در منطقه، بازیگران به آرامی در حال شکل‌دهی یک مدل انرژی منطقه‌ای هستند. دشمنان امروز، ممکن است شریک انرژی فردا شوند، مشروط بر اینکه مشوق‌های کافی برای همه ذی‌نفعان وجود داشته باشد. برای نمونه، مصر در حال حاضر گاز اسرائیل را وارد می‌کند، زیرا قیمت آن مناسب است؛ حداقل تا زمانی که اکتشافات خود را در میدان گازی ظهر توسعه دهد. خطوط لوله اسرائیل و ترکیه که گاز قابل صادرات رژیم را به مرکز صادراتی اسکندرون در ترکیه منتقل می‌کند، تنها در صورتی محقق می‌شود که سودآورترین گزینه برای هر دو طرف باشد.

به همین ترتیب، قبرس، یونان و ترکیه تنها در صورتی موافقت می‌کنند که از مزایای همکاری‌های توسعه میدان‌های انرژی برخوردار باشند که مشکل قبرس با شرایط قابل قبول

برای هر دو طرف منازعه حل و فصل شود. یونان و ترکیه در حال همکاری با یکدیگر در خط لوله ترانس آدریاتیک هستند و از مزایای متقابل برخوردارند. در صورت وجود سود مناسب، صلح برای کشورهایمانند لبنان و سوریه، خط لوله گاز عربی ممکن است در آینده محقق شود؛ بنابراین با توجه به آنچه گفتیم، دریای مدیترانه می‌تواند تبدیل به یک مرکز مهم انتقال انرژی به سایر نقاط دنیا باشد. همچنین این دریا به دلیل جایگاه ژئوپلیتیکی خود، می‌تواند مسیری برای انتقال انرژی خلیج فارس نیز باشد.

با توجه به یافته‌های پژوهش در بحث اهمیت انرژی دریای مدیترانه در جایگاه کشورهای فرامنطقه‌ای، سه عامل استخراج شده است: ۱. کاهش وابستگی به انرژی روسیه؛ ۲. امنیت انرژی اروپا؛ ۳. تضمین قراردادهای سرمایه‌گذاری برای شرکت‌های نفتی آمریکا؛ پاسخ نخبگان نسبت به این بخش براساس میانگین پاسخ‌های توصیفی آنان، در نمودار ۱ نشان داده شده است.

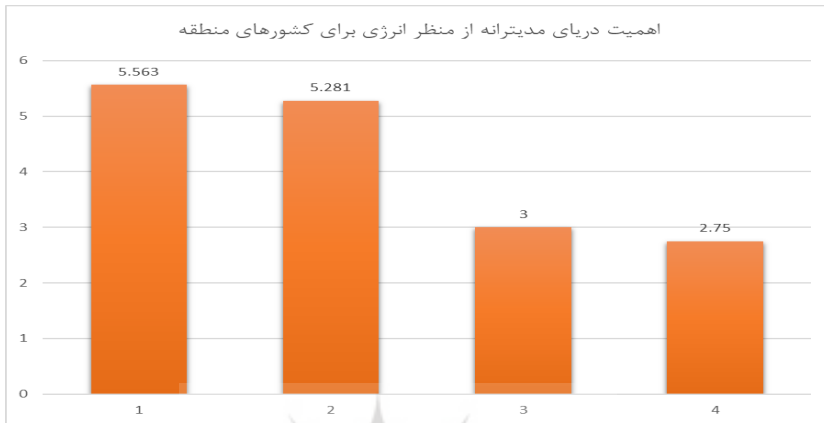
نمودار ۱. اهمیت انرژی دریای مدیترانه در جایگاه کشورهای فرامنطقه‌ای



Source: Authors

در بخش اهمیت انرژی دریای مدیترانه در جایگاه کشورهای منطقه‌ای، چهار عامل شناسایی شده‌اند: ۱. تبدیل شدن به هاب انرژی؛ ۲. حضور در راه‌گذرهای انرژی؛ ۳. عقد قراردادهای چندجانبه در حوزه انرژی؛ ۴. انتقال گاز طبیعی مایع. پاسخ نخبگان نسبت به این بخش بر اساس میانگین پاسخ‌های توصیفی آنان، در نمودار زیر به نمایش گذاشته شده است.

نمودار ۲. اهمیت دریای مدیترانه از منظر انرژی برای کشورهای منطقه



Source: Authors

در سال‌های اخیر، ایالات متحده آمریکا در تلاش بوده است که وابستگی انرژی خود را به خاورمیانه کاهش دهد؛ در همین زمینه واردات نفت خود را از کانادا افزایش داده و در مقابل سیاست کاهش واردات از عربستان را پیش گرفته است. به همین دلیل، آمریکا می‌خواهد بیشتر بر انرژی‌های دریای مدیترانه تکیه کند که از این برنامه دو هدف عمده را پیگیری می‌کند: نخست، تضمین قراردادهای سرمایه‌گذاری برای شرکت‌های نفتی آمریکا و افزایش حجم تجارت. شایان توجه است که شرکت آمریکایی نوبل انرژی که یک سرمایه‌گذار اصلی در اکتشافات گاز شرق مدیترانه در فلسطین اشغالی و قبرس است، در این منطقه سال‌هاست فعالیت خود را آغاز کرده است.

دوم، تضمین دسترسی اروپا به انرژی و ارتقای ثبات منطقه‌ای است، زیرا اتحادیه اروپا همچنان وابسته به منابع انرژی از خاورمیانه و مدیترانه شرقی است. با حمایت ایالات متحده از اجرای تفاهم‌نامه یونان و جمهوری آذربایجان در زمینه انرژی در سال ۲۰۰۹ نشان داده شد که جمهوری آذربایجان گاز زیادی برای انتقال از مسیر خط لوله ترکیه، یونان و ایتالیا دارد. علاوه بر این، شورای انرژی اقیانوس اطلس که در سال ۲۰۰۹ تأسیس شد، یک انجمن مشترک برای هماهنگی سیاست‌های انرژی ایالات متحده آمریکا و اروپا معرفی شد. بعدها، با رونق

اکتشافات گاز شرق مدیترانه، دولت اوپاما فرصتی را برای کاهش وابستگی اروپا به منابع انرژی روسیه پیدا کرد. علاوه بر این، چنین اکتشافاتی پیامدهای مهمی برای سیاست آمریکا در حفظ ثبات منطقه‌ای در خاورمیانه و شرق مدیترانه دارد.

این بی‌ثباتی و عدم اطمینان، زمینه را برای همگرایی در زمینه انرژی فراهم می‌کند. همچنین در سال‌های آینده بازارهای این منطقه به دلایلی که در زیر اشاره می‌شود به دنبال منابع جدید در زمینه تأمین انرژی خواهند رفت. از این دلایل که با توجه به پاسخ جامعه آماری می‌توان به آن اشاره کرد:

۱. رشد فزاینده تقاضا برای انرژی به دلیل سطح پایین و ضعیف دستاوردهای اقتصادی در این منطقه؛

۲. کاهش حجم ذخایر بومی و داخلی در کشورهای این منطقه؛

۳. تلاش برای جایگزینی سوخت‌های آلاینده در جهت سیاست‌ها و قوانین محیط زیستی اتحادیه اروپا؛

۴. تمایل این کشورها به متنوع کردن واردات منابع انرژی و کاهش وابستگی به منابع انرژی روسیه در راستای بالابردن ضریب امنیت انرژی کشورهای این منطقه.

۷. نتیجه

مدیترانه همواره به‌عنوان حوزه راهبردی برای کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ، اهمیت فراوانی دارد. مدیترانه یکی از اصلی‌ترین مناطق تأمین انرژی اروپا است که می‌تواند وابستگی اروپا به گاز روسیه را کاهش دهد. در نتیجه، هم کشورهای حوزه مدیترانه به دنبال یافتن بازارهای اروپایی هستند و هم کشورهای غرب آسیا به دنبال انتقال گاز خود به اروپا از راه مدیترانه هستند. با توجه به آنچه بیان شد در چند سال گذشته، مدیترانه از اهمیت ویژه‌تری برخوردار شده است و بسیاری از قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به دنبال افزایش حضور و نفوذ خود در این ناحیه هستند. کاهش وابستگی به انرژی روسیه، تضمین قراردادهای سرمایه‌گذاری برای شرکت‌های نفتی آمریکا و تأمین امنیت انرژی اروپا از مهم‌ترین دلایل اهمیت دریای مدیترانه برای قدرت‌های فرامنطقه‌ای در بحث انرژی است.

همچنین برای قدرت‌های منطقه‌ای، تبدیل شدن به هاب انرژی، حضور در راه‌گذرهای انرژی، عقد قراردادهای چندجانبه در حوزه انرژی و انتقال گاز طبیعی مایع از مهم‌ترین دلایل

اهمیت اکتشافات انرژی در مدیترانه برای کشورهای منطقه هستند. با آرام شدن شرایط داخلی و ایجاد ثبات سیاسی در سوریه و لبنان، این دو کشور نیز می‌توانند با ایفای نقش ترانزیتی، نفت و گاز خاورمیانه را به اروپا برسانند. در این میان جمهوری اسلامی ایران می‌تواند نقش پررنگی در تأمین انرژی اروپا به‌ویژه در شرایط جنگ کنونی میان روسیه و اوکراین داشته باشد.

۸. پیشنهادات

۸-۱. پیشنهادات کاربردی

دریای مدیترانه اهمیت اقتصادی زیادی برای کشورهای منطقه و کشورهای فرامنطقه‌ای دارد. سوریه و لبنان، هم سواحل طولانی در مدیترانه دارند و هم خود منابع قابل توجهی از نفت و گاز دارند؛ به‌علاوه می‌توانند مسیر صادرات نفت و گاز بسیاری از کشورهای غرب آسیا به‌ویژه ایران به دیگر نقاط جهان باشند. ایران می‌تواند با توسعه تجارت خود و همچنین بازسازی زیرساخت‌های میدان‌های نفت و گاز در سوریه یا ساخت زیرساخت‌های اکتشاف و استخراج میدان‌های گازی لبنان توان اقتصادی خود را افزایش دهد؛ به‌علاوه با این راه‌گذر می‌توان به بازار کشورهای آفریقایی نیز ورود کرد و محصولات نفتی و غیرنفتی را به آن‌ها عرضه کرد. این ابتکار برای تمام کشورهای منطقه مدیترانه و غرب آسیا صادق است. همچنین کشورهای منطقه مدیترانه در صورت عقد تفاهم‌نامه میان خود و ایجاد رژیم‌های منطقه‌ای، می‌توانند به‌صورت فعالانه در ابتکار «یک کمربند و یک راه» چین ایفای نقش کنند.

۸-۲. پیشنهادات علمی

با توجه به تمرکز حوزه مطالعاتی پژوهش حاضر، در آینده پژوهشگران محترم می‌توانند هرکدام از کشورهای دریای مدیترانه را به‌صورت مجزا مطالعه و اهمیت اقتصادی انرژی آن‌ها را بررسی کنند. این مطالعه می‌تواند جنبه تطبیقی نیز به خود بگیرد و در مقام مقایسه بیان شود که کدام کشور و به چه دلیلی می‌تواند گزینه بهتری برای تبدیل شدن به هاب انرژی منطقه باشد یا نقش فعال‌تری در حوزه انرژی داشته باشد.

References

- Ajili, Hadi, Jafari, Maryam(2020); European Union's neighborhood policy towards Eastern Mediterranean countries, *The Journal of Foreign Policy*, vol.35, no.3, pp.91- 128 [In Persian]
- Ashley, R. K. (1984). The poverty of neorealism. *International organization*, 38(2), 225-286.
- Buzan, B., Waever, O. (2003). *Regions and powers: the structure of international security* (Vol. 91). Cambridge University Press.
- Crombois JF (2017) Conflicting narratives: geopolitical and normative power narratives in the EU Eastern partnership. *Politeja* 4(49):109-125.
- D'Anieri, P. (2020). *International politics: Power and purpose in global affairs*. Cengage Learning.
- Demir, N., & Tekir, O. (2017). Sharing energy resources of Eastern Mediterranean: Regional and global dynamics. *Economic and environmental studies*, 17(4 (44)), 651-674.
- Devlin, B., & Heer, K. (2012). The Southern Corridor—strategic aspects for the EU. *The Security of Energy Supply in the European Union (EU Energy Law—Vol. VI)*, Deventer: Claeys & Casteels, 183-92.
- Ellinas, C. (2016). Eastern Mediterranean gas developments. *Global Energy Debates and the Eastern Mediterranean, Report*, 1, 49-52.
- Erşen, E., & Çelikpala, M. (2019). Turkey and the changing energy geopolitics of Eurasia. *Energy Policy*, 128, 584-592.
- Karima El Rhazia, Khaoula El Kinanya, Vanessa Garcia-Larsen (2020), *Socioeconomic factors for the adherence to the Mediterranean diet in North Africa: The shift from 1990 to 2019*: Elsevier Inc.
- Kavaz, I. (2021). The energy equation in the Eastern Mediterranean. *Insight Turkey*, 23(1), 139-160.

- Kiliç-Pala, P. B. (2021). Approaches in Energy Exclusive Security: Theories of Energy Security and the Dominance of Realism. *Politics & Policy*, 49(3), 771-794.
- Mehmet, O., Yorucu, V., (2018). The southern energy corridor: Turkey's role in European energy security (pp. 66-67). Cham: Springer International Publishing.
- Mehmet, O., & Yorucu, V. (2020). Modern Geopolitics of Eastern Mediterranean Hydrocarbons in an Age of Energy Transformation (Vol. 78). Springer Nature.
- Özdamar, Ö. (2010). Energy, security, and foreign policy. In *Oxford Research Encyclopedia of International Studies*.
- Pierini, M. (2021). Russia's Posture in the Mediterranean: Implications for NATO and Europe. *Carnegie Europe*.
- Pisca, I. (2016). Outlook for EU gas demand and import needs to 2025. The Hague, Clingendael.
- Shin, Sang Yoon, and Taehwan Kim. "Eastern Mediterranean Gas Discoveries: Local and Global Impact." *Middle East Policy* 28.1 (2021): 135-146.
- Stritzel, H. (2007). Towards a theory of securitization: Copenhagen and beyond. *European journal of international relations*, 13(3), 357-383.
- Tziarras, Z. (Ed.). (2019). The new geopolitics of the Eastern Mediterranean: Trilateral partnerships and regional security. PRIO Cyprus Centre.
- Zacharou-Otapasidou, A. (2020). The political economy of energy in Eastern Mediterranean (Master's thesis, Πανεπιστήμιο Πειραιώς).
- The Mediterranean Sea: a US\$5.6 trillion economy at risk of sinking. (n.d.). WWF. <https://www.wwf.eu/?312510/The-Mediterranean-Sea-a-US56-trillion-economy-at-risk-of-sinking>
- <https://www.icrc.org/en/document/introduction-economic-security>

Euro-Mediterranean statistics - 2015 edition. (n.d.). Eurostat.

Vukmanovic, O. S. J. (2012, October 3). Greece looks out to sea for gas wealth salvation. U.S. <https://www.reuters.com/article/greece-gas-idINDEE89207E20121003>

Eastern Mediterranean Gas: What Prospects for the New Decade? (2022, August 8). Bruegel The Brussels-Based Economic Think Tank. <https://www.bruegel.org/comment/eastern-mediterranean-gas-what-prospects-new-decade>

John V. Bowlus. (2020, May). Deep sea rivals: Europe, Turkey, and new eastern Mediterranean conflict lines. European Council on Foreign Relations. https://ecfr.eu/special/eastern_med/gas_fields

Eni: New gas discovery in the Mediterranean Sea offshore Egypt. (2021, April 22). ENI. <https://www.eni.com/en-IT/media/press-release/2020/07/eni-new-gas-discovery-in-the-mediterranean-sea-offshore-egypt.html>

Statistical Review of World Energy | Energy economics | Home. (2021). Bp Global. <https://www.bp.com/en/global/corporate/energy-economics/statistical-review-of-world-energy.html>

Disclaimer - Shell Annual Report 2020. (2020). Shell. <https://reports.shell.com/annual-report/2020/servicepages/disclaimer.php>

Coskun, O., & Rabinovitch, A. (2022, March 29). Israel-Turkey gas pipeline discussed as European alternative to Russian energy. Reuters. <https://www.reuters.com/business/energy/israel-turkey-gas-pipeline-an-option-russia-wary-europe-sources-2022-03-29/>